

سنجش عوامل مؤثر بر توزیع قدرت در خانواده

(با تأکید بر نظریه سرمایه اجتماعی)

حلیمه عنایت*، طاهره رئیسی**

چکیده: یکی از تحولات اخیر در جوامع امروزی، دگرگونی در ساخت توزیع قدرت در خانواده و تغییر در کنش متقابل بین زن و شوهر است. هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر توزیع قدرت در خانواده با استفاده از نظریه‌های سرمایه‌های اجتماعی، منابع ارزشمند و جامعه‌پذیری جنسیت است. اطلاعات این تحقیق با روش پیمایشی و توزیع پرسشنامه در بین ۴۰۰ نفر از زنان متأهل شهر جیرفت و با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای گردآوری شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای سرمایه اجتماعی، میزان درآمد، میزان آگاهی پاسخ‌گو از حقوق زن و وابستگی عاطفی پاسخ‌گو به همسرش به طور کلی ۴۳/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته‌ی توزیع قدرت در خانواده را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: توزیع قدرت، خانواده، جامعه‌پذیری جنسیت، سرمایه اجتماعی.

مقدمه و طرح مسئله

خانواده نیز همچون سایر نهادهای تشکیل دهنده‌ی جامعه، در طول تاریخ دچار دگرگونی‌های ژرفی شده است. یکی از این دگرگونی‌ها در ساخت خانواده، به خصوص کنش متقابل میان زن و شوهر، تغییر در مفهوم نقش است. دگرگونی‌های اجتماعی و تحول در الگوهای زندگی جوامع شهری و ورود زنان به اجتماع، موجب تغییر و تحول در نگرش افراد در توزیع نقش‌ها و به تبع آن، توزیع قدرت در خانواده شده است (سابینی،^۱ ۱۹۹۵). شواهد مختلفی نشان دهنده آن است که داشتن منابعی چون تحصیلات، اشتغال یا درآمد زنان در خارج از خانه، می‌تواند در تغییر جایگاه زنان تأثیر داشته باشد (کولتن،^۲ ۲۰۰۰).

Ha_enayate@yahoo.com

raisi.tahereh2@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۶

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

** کارشناسی ارشد مطالعات زنان از دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۷/۲۲

^۱. Sabini

^۲. Colton

فرآیند جهانی شدن^۱ نیز بنا به ماهیت خود، اشکال محلی قدرت پدرسالارانه را به تحلیل برده و زنان را قادر ساخته است تا در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی به عنوان شرکت کنندگان پویا وارد شوند (جاگار^۲، ۲۰۰۱). در عصر جهانی شدن برخی مفاهیم فرهنگی از جمله حقوق زنان به مفاهیمی عام و جهان شمول مبدل شده‌اند. این گفتمان‌ها در سطح خرد به شکل تساوی‌گرایی^۳ بین زن و مرد و تلاش در جهت رفع نابرابری جنسیتی در می‌آید (مسون و اسمیت^۴، ۲۰۰۳). در واقع آگاهی زنان نسبت به تحولات در سطح جهان و آگاهی از موقعیت سایر زنان در جوامع دیگر نیز بر نگرش آنها و موقعیتشان در خانواده و جامعه و همچنین انتظاراتشان اثر داشته است (روبنیان، ۲۰۰۳).

از آنجایی که جامعه آماری تحقیق، جامعه‌ای محدود و کوچک است و تحولاتی که در زمینه‌ی وضعیت زنان در جهان صورت گرفته، کمتر روابط سنتی بین زن و مرد را دچار تغییر کرده است، با در نظر گرفتن این تحولات در جوامعی نظیر کشور ایران به خصوص در جوامع کوچک‌تر و محدود نظیر جامعه آماری پژوهش (جیرفت) که افراد در روابط اجتماعی و خانوادگی به هنجارهای رایج و سنت‌ها تعهد و وفاداری خاصی دارند، ضرورت تحقیق حاضر، بیشتر احساس می‌شود.

پیشینه پژوهش

نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنانی که دارای سرمایه‌های اجتماعی و منابع ارزشمند هستند نسبت به سایر زنان، سهم بیشتری از توزیع قدرت در خانواده‌هایشان را به دست می‌آورند (کولیک^۵، ۲۰۰۲، خو^۶ و شوچان^۷، ۲۰۰۱، زو^۸ و بیان^۹، ۲۰۰۵). پژوهش‌های دیگری نیز تأثیر جامعه‌پذیری نقش جنسی را بر چگونگی توزیع قدرت در خانواده بین زن و شوهرها مورد مطالعه قرار داده‌اند. در همین خصوص پژوهشی توسط لوی و کاتز^{۱۰} (۲۰۰۲) تحت عنوان «تقسیم کار، رعایت عدالت و کیفیت ازدواج» انجام شده است. آنها در این تحقیق بر رابطه شیوه جامعه پذیر کردن زن و سهم او از توزیع قدرت اشاره دارند و نتیجه تحقیق

1. Globalization
2. Jaggar
3. Egalitarianism
4. Mason & Smith
5. Kulik
6. Xu
7. Shu-chuah
8. Zuo
9. Bian
10. Lavee & Katz

بررسی عوامل مؤثر بر توزیع قدرت در خانواده ۲۵

خود را چنین گزارش کرده‌اند که ارزش‌ها و هنجارهایی که زن در فرآیند جامعه‌پذیری درونی کرده است، شیوه عملکرد وی را در فرآیند قدرت پیش‌بینی می‌کند. وبستر^۱ (۲۰۰۲) طی یک تحقیق کیفی تأثیر قدرت زناشویی را بر تصمیم‌گیری در خانواده‌های هندی مطالعه کرده است. از نظر وبستر صفات‌های شخصی فرد است که نفوذ او را در فرآیند تصمیم‌گیری مشخص می‌کند. یافته‌های کوک و ناسون مارتین^۲ (۲۰۰۸) نیز نشان می‌دهد که اهمیت دادن به شغل زنان مردان را تشویق می‌کند تا انتظارات خود را از نقش زنان تغییر دهند و در فعالیت‌های خانگی شرکت کنند و مشارکت همسران‌شان را قدر بدانند و زنان نیز بر دامنه نفوذ خود در خانواده می‌افزایند. زیپ و دیگران^۳ (۲۰۰۶)، تحقیقی تحت عنوان «روابط زن و شوهر و قدرت مخفی مخفی در ازدواج» به قدرت نامرئی مردان اشاره کرده‌اند. یافته‌های تحقیق آنها نشان داد که حتی اگر زنان درآمد بیشتری از شوهران خود داشته باشند، این زنان هستند که با راهکارهای شوهران خود بیشتر موافقت نشان می‌دهند.

اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش بررسی برخی از عوامل مؤثر بر چگونگی توزیع قدرت بین (زن و شوهر) در خانواده است.

چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر ترکیبی از نظریه‌های منابع ارزشمند، جامعه‌پذیری جنسیت و نظریه سرمایه اجتماعی است که هر کدام از این نظریه‌ها قسمتی از این پژوهش را تبیین می‌کنند.

نظریه مبادله

پیتر بلا^۴ مشخصه اصلی مبادله را عدم تعادل قدرت می‌داند. در این فرآیند یک نفر در مقام فرماندهی قرار می‌گیرد، زیرا مالک منابع و خدماتی است که طرف مقابل نیازمند آن است. وی تأکید می‌کند که قدرت در هر نوع رابطه‌ای اعم از عشق، دوستی و حتی ازدواج رخنه می‌کند و رابطه دو جانبه بسته به این است که

1. webster

2. Quek & nudson-martin

3. Zipp & other

4. Peter bila

یک طرف با علاقه‌مندی بیشتری درصدد ارضای آرزوهای دیگری برآید. به نظر او عشق به تمام کمال، متضمن نابرابری در تعهد و وابستگی متقابل است. هنگامی که عشاق با یکدیگر مجادله می‌کنند در واقع وابستگی به یکدیگر را به آزمون می‌گذارند. از آنجا که هر مناقشه‌ای ممکن است به جدایی بینجامد، حداقل باید یکی از طرفین غرور خود را زیر پا بگذارد و وابستگی خود را به دیگری اعلام کند و تسلیم او شود و این چیزی نیست به جز پذیرش قدرت او. اساس نظریه‌ی مبادلۀ دربارۀ قدرت در این است که نابرابری در منابع تولید باعث تمایز و تفاوت در قدرت در بین کنشگران می‌شود. این منابع ارزشمند، به طور اخص، تحصیلات، شغل و قدرت مالی هر یک از زن و شوهر می‌باشد که به میزان برخورداری آنها از این منابع، آنان دارای قدرت تصمیم‌گیری در خانواده هستند. البته منابع ارزشی دیگر نیز مثل علاقه، وابستگی زوجین و جذابیت فرد برای همسر (ریتزر^۱، ۱۳۷۴) دخیل هستند که در توزیع قدرت در تصمیم‌گیری در خانواده نقش مهمی دارد.

جامعه‌پذیری جنسیت

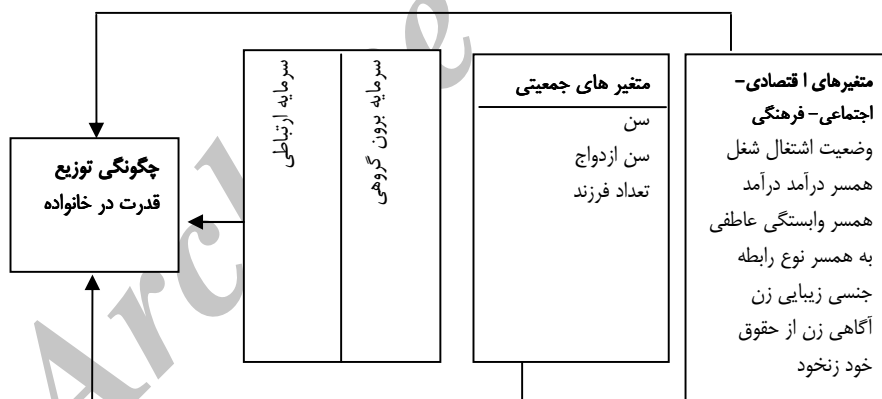
بخشی از قدرت تصمیم‌گیری در خانواده به کارکرد نقش‌های سنتی جنس مذکر و مؤنث برمی‌گردد. بر اساس تحقیقاتی که در گروه‌های کاری انجام پذیرفته، نشان داده شده است همان‌گونه که مردان به طور مستقل جامعه‌پذیر می‌شوند، به همان نسبت از نفوذ بیشتری نسبت به زنان برخوردارند. در مقابل، زنان اعتماد به نفس کمتری دارند. در این ارتباط، زنان احساس وابستگی و انفعال بیشتری در حضور مردان می‌کنند (پو و همکاران^۲، ۱۹۸۳). مردسالاری شکلی از سیستم اجتماعی است که در آن مردان از قدرت و حقوق تصمیم‌گیری برخوردارند. در این شکل از سیستم اجتماعی شوهرانی که گرایش‌ها و تمایلات پدرسالاری دارند در مقایسه با آنهایی که باورها و گرایش‌ات پدرسالارانه ندارند تمایل بیشتری دارند که نسبت به همسران‌شان خشونت بورزند (بارنت^۳، ۲۰۰۵).

1. Ritzer
2. Pugh et al
3. Barnet

سرمایه اجتماعی

اولین بار واژه سرمایه اجتماعی توسط هنی فن که در آموزش و پرورش ایالت ویرجینیای آمریکا خدمت می‌کرد به کار برده شد (وولکاک و نارایان،^۱ ۱۹۹۹). او معتقد بود که سرمایه اجتماعی به ابعادی مانند حسن نیت، رفاقت، دوستی و همدردی، داد و ستد میان افراد و خانوارها اشاره دارد. او برداشتی محدود از مفهوم سرمایه اجتماعی داشته و آن را تنها در قالب روابط درون گروهی مورد توجه قرار داده است. به نظر جیمز کلمن^۲ کنشگران به رویدادهایی که تحت کنترل کنشگران دیگر است علاقه دارند و همین مسأله باعث ایجاد روابط اجتماعی می‌گردد که در طول زمان تا اندازه‌ای پایدار می‌ماند (کلمن، ۱۳۷۲). از نظر فوکویاما^۳ سرمایه اجتماعی: «مجموعه هنجارهای سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقاء سطح همکاری اعضای آن سیستم گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد» (فوکویاما، ۱۳۷۹). در نظر فوکویاما حوزه و دامنه تأثیر این هنجارها در سطح خرد از تعاملات موجود بین دو دوست تا تعاملات بین کشورها، در سطح کلان، متغیر است.

نمودار شماره (۱): مدل مفهومی پژوهش



¹. Woolcock & Narayon

². Kolman

فرضیه‌های پژوهش

- بین میزان سرمایه‌های اجتماعی زنان و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه وجود دارد.
- بین وضعیت اشتغال زنان و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین نوع شغل همسر و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین تحصیلات و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین تحصیلات همسر و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین درآمد و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین درآمد همسر و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین زیبایی و جذابیت پاسخ‌گو برای همسرش و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین وابستگی عاطفی پاسخ‌گو به همسرش و و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین نوع رابطه جنسی پاسخ‌گو و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین سن پاسخ‌گو و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین تعداد فرزندان و و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین آگاهی زنان از حقوق خود و و چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

تعریف نظری و عملیاتی

سرمایه اجتماعی: وولکاک و نارایان با استفاده از دیدگاه هم‌افزایی برای بررسی جامع‌تر سرمایه اجتماعی آن را در سه بعد مورد ارزیابی قرار می‌دهند (کارن هیلی و همکاران، ۲۰۰۳). این ابعاد عبارتند از:

۱- سرمایه اجتماعی محدود یا درون گروهی: نمودهای عمده این بعد از سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان در شبکه‌های محلی و خویشاوندی مشاهده نمود. در پژوهش حاضر این شاخص شامل مؤلفه‌هایی نظیر رفت و آمد با اقوام درجه یک و میزان اعتماد به آنها، رفت و آمد با اقوام درجه دو و دوستان و میزان اعتماد به آنها، ارتباط با هم محله‌ای‌ها و اعتماد به آنها، میزان احساس امنیت و آرامش در محله‌ای که افراد در آن

بررسی عوامل مؤثر بر توزیع قدرت در خانواده ۲۹

زندگی می‌کنند، میزان امانت‌داری انصاف و صداقت در محله، میزان احساس مسئولیت افراد محله نسبت به یکدیگر را در بر می‌گیرد، ضریب آلفای این شاخص از سرمایه اجتماعی با ۱۳ گویه ۰/۹۱۶ است.

۲- سرمایه اجتماعی برون گروهی: نمودهای عمده این بعد از سرمایه اجتماعی را می‌توان در شبکه‌های اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های غیر محلی مشاهده نمود. از جمله میزان اعتماد اجتماعی مانند اعتماد به نهادها و اصناف مختلف، میزان مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی نظیر (شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، شورای شهر و انتخابات مجلس شورای اسلامی)، میزان فعالیت در انجمن‌های اجتماعی نظیر (مؤسسه‌های قرض الحسنه، تیم‌های ورزشی، انجمن‌های خیریه و انجمن‌های علمی)، و... در پژوهش حاضر ضریب آلفای سرمایه اجتماعی برون گروهی با ۱۱ گویه ۰/۶۷۱ شده است.

۳- سرمایه اجتماعی ارتباطی: این شاخص از سرمایه اجتماعی شعاع ارتباطات (رفت و آمدهای خانوادگی، شرکت در مجالس دوستان و آشنایان) و نوع ارتباطات (بده بستان پول، وسایل زندگی، مشورت با اطرافیان) و غیره را در بر می‌گیرد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای سرمایه اجتماعی ارتباطی با ۲۵ گویه ۰/۹۵۲ شده است.

در این پژوهش، سرمایه اجتماعی از جمع نمرات پاسخ‌گویان از سنجش‌های سرمایه اجتماعی برون گروهی، سرمایه اجتماعی درون گروهی و سرمایه اجتماعی ارتباطی به دست آمده است.

نوع روابط جنسی: گیدنز در بحث از جنسیت و تمایلات جنسی نتیجه می‌گیرد که بسیاری از تفاوت‌های میان زنان و مردان دارای منشأ زیست‌شناختی نیستند و بیشتر به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی در بین زنان و مردان مربوط می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۹۲).

همچنین گیدنز در بحث از تجاوز جنسی نتیجه می‌گیرد که ارتباط چندانی میان شهوت و تجاوز جنسی وجود ندارد و این امر را نتیجه میل جنسی لبریز شده نمی‌داند، بلکه آن را نتیجه پیوندهای میان تمایل جنسی و احساس قدرت و برتری می‌داند (همان: ۲۲۱). در پژوهش حاضر این متغیر، به دو نوع فعالانه و منفعلانه تقسیم شده است. رابطه جنسی فعالانه رابطه‌ای است که پاسخ‌گو در پذیرش و انتخاب آن سهم دارد و لذت جنسی او نیز در نظر گرفته می‌شود، اما رابطه جنسی منفعلانه، به پاسخ‌گو تحمیل می‌شود.

شغل: مجموعه کارهایی است محدود، مشخص و مستمر که برای تولیداتی، خدماتی برای به دست آوردن سود، مزد یا حقوق منظمی انجام می‌گیرد و به وسیله آن امرار معاش و گذران زندگی و یا تجمع سرمایه امکان می‌پذیرد (گرینت، ۱۳۸۲). در پژوهش حاضر بر اساس پاسخ‌های پاسخ‌گویان متغیر نوع شغل به

چهار قسمت (آزاد، کارگر، کارمند، مشاغل مدیریتی و بالا) تقسیم شد. به این صورت که در قالب یک سؤال باز از پاسخ‌گو خواسته شده است که نوع شغل خود را ذکر کند. و بر اساس پاسخ‌های آنها، مشاغل به صورت فوق تقسیم‌بندی شدند. در این تحقیق، منظور از شغل آزاد کسی است که خودش صاحب کار است و کارفرمایی ندارد، مانند کسبه و بازاریان. و کارگر کسیست که خودش صاحب کار نیست و برای دیگری کار می‌کند، مانند فروشنده‌های مغازه‌ها و افرادی که کارهای یدی مانند کارگری در ساختمان‌ها و نظیر آن را انجام می‌دهند.

وابستگی عاطفی به همسر: بلا در نظریه منابع اشاره می‌کند که وابستگی عاطفی زوجین به یکدیگر، به عنوان یک منبع ارزشمند و در دسترس زوجین، در توزیع قدرت تصمیم‌گیری در خانواده نقش مهمی دارد (ریترز، ۱۳۷۴).

در پژوهش حاضر منظور از این متغیر، وابستگی عاطفی، یا اصطلاحاً میزان عشق هر یک از زن و شوهر نسبت به همسرش مد نظر است. به این معنا که کدام یک از زن و شوهر از نظر عاطفی بیشتر به همسر خود وابسته، یا اصطلاحاً عاشق‌تر است. این متغیر در سطح اسمی سنجیده شده است.

زیبایی و جذابیت زن برای همسر: بلا در نظریه منابع اشاره می‌کند زیبایی و جذابیت فرد برای همسر از جمله منابع ارزشمندی است که در توزیع قدرت در خانواده نقش مهمی دارد (ریترز، ۱۹۷۹). در پژوهش حاضر نیز، آنچنان که مورد نظر محقق بوده است منظور از این متغیر، ادراک میزان جذابیت و زیبایی زن برای همسرش است، که این متغیر نیز در سطح اسمی سنجیده می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش پیمایش^۱ بوده است. جامعه آماری این پژوهش زنان متأهل ۵۰-۲۰ ساله ساکن در شهر جیرفت بوده است. طبق نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد زنان متأهل ساکن در شهر جیرفت ۲۳۷۲۲ نفر است.^۲ با قرار دادن این عدد در جدول لین (۱۹۷۸)، در سطح معناداری ۹۵ درصد و با خطای ۵ درصد حجم نمونه ۳۸۱ نفر تعیین شد که جهت اطمینان بیشتر ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شده است. زنان

^۱ Survey

^۲ جیرفت شهری است در استان کرمان. این شهر مرکز شهرستان جیرفت است. جمعیت شهر جیرفت بنا بر سرشماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، برابر ۱۰۸۰۰۰ نفر است.

بررسی عوامل مؤثر بر توزیع قدرت در خانواده ۳۱

متأهل از طریق شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شده‌اند، به این صورت که ابتدا جامعه آماری مورد نظر به چند منطقه کلی تقسیم شد و سپس از بین این مناطق، چند محله به طور تصادفی انتخاب شدند و در مرحله بعد از بین محله‌های منتخب، تعدادی خانوار به طور تصادفی انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز با مراجعه‌ی پرسشگر به درب منازل پاسخ‌گویان و با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. برای جمع‌آوری داده‌های سرمایه‌ی اجتماعی از پرسشنامه‌ی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی (غفاری و انق، ۱۳۸۵) و جهت جمع‌آوری داده‌های قدرت در خانواده از پرسشنامه‌ی ساخت قدرت در خانواده (مهدوی و صبوری، ۱۳۸۵) با انجام تغییراتی، مورد استفاده قرار گرفته است. نرم افزار مورد استفاده رایانه SPSS بوده و داده‌ها با استفاده از «آزمون رگرسیون دومتغیره» و «آزمون تی» و «آزمون تحلیل واریانس» و در نهایت با استفاده از «رگرسیون چند متغیره» تجزیه و تحلیل گردیدند.

متغیر وابسته چگونگی توزیع قدرت در خانواده است. این متغیر چگونگی توزیع قدرت در خانواده را بر اساس سه الگوی ۱- قدرت به نفع زن ۲- قدرت به نفع مرد ۳- قدرت توزیع قدرت به طور اشتراکی را در دو حوزه‌ی «تصمیم‌گیری» و «تقسیم کار» در خانواده توضیح می‌دهد. متغیر مستقل اصلی، در این پژوهش سرمایه اجتماعی است که در سه سطح سرمایه اجتماعی برون گروهی، درون گروهی، ارتباطی و توسط طیف لیکرت و به وسیله ۴۹ گویه سنجیده شده است. مقدار آلفای کرونباخ این شاخص ۰/۹۴۹ است.

نتایج پژوهش

یافته‌های توصیفی

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی و درصد سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان

درصد	فراوانی	سرمایه اجتماعی
۱۶/۰	۶۴	پایین
۶۶/۵	۲۲۶	متوسط
۱۷/۵	۷۰	بالا

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۱)، ۱۶ درصد از پاسخ‌گویان سرمایه اجتماعی پایین، ۶۶/۵ درصد از آنها سرمایه اجتماعی متوسط و تنها ۱۷/۵ درصد از آنها سرمایه اجتماعی بالایی دارند.

جدول شماره (۲): توزیع فراوانی و درصد سهم زنان از توزیع قدرت در خانواده

درصد	فراوانی	سهم زنان از توزیع قدرت در خانواده
۲۰/۰	۸۰	پایین
۶۱/۸	۲۴۷	متوسط
۱۸/۲	۷۳	بالا

همچنین جدول شماره (۲) نشانگر توزیع فراوانی و درصد سهم زنان از توزیع قدرت در خانواده است. از مجموع ۴۰۰ نفر پاسخ‌گو، ۲۰ درصد از پاسخ‌گویان سهم کمی از توزیع قدرت در خانواده دارند (در واقع در خانواده های این گروه از پاسخ‌گویان توزیع قدرت در یکجانبه و به نفع مرد بوده است)، ۶۱/۸ درصد سهمشان از توزیع قدرت متوسط (قدرت اشتراکی بین زن و مرد)، و ۱۸/۲ درصد نیز از این لحاظ سهم بالایی از توزیع قدرت نصیبشان می‌شود (توزیع قدرت یکجانبه به نفع زن). بنابر این فقط تعداد کمی از آنها سهم بالایی از قدرت در خانواده نصیبشان می‌شود.

یافته‌های تحلیلی

در اینجا به بررسی فرضیات تحقیق با استفاده از تکنیک‌های آمار استنباطی می‌پردازیم.

جدول شماره (۳): آزمون رابطه بین متغیرهای اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی و چگونگی توزیع قدرت در خانواده

متغیر	R	R ²	R ² تنظیم شده	ضریب b	ضریب بتا	مقدار F	سطح معنی داری
سرمایه اجتماعی	۰/۷۳۰	۰/۵۲۳	۰/۵۲۲	۰/۴۶۸	۰/۷۳۰	۴۵۴/۷۳۴	۰/۰۰۰
تحصیلات	۰/۳۵۴	۰/۱۲۵	۰/۱۲۳	۱/۳۱۵	۰/۳۵۴	۵۶/۹۴۸	۰/۰۰۰
تحصیلات همسر	۰/۳۷۸	۰/۱۴۳	۰/۱۴۱	۱/۳۷۲	۰/۳۷۸	۶۶/۵۱۸	۰/۰۰۰
درآمد	۱۶۷	۰/۰۲۸	۰/۰۲۵	۱/۴۳	۰/۱۶۷	۱۱/۳۸۴	۰/۰۰۱
آگاهی زن از حقوق خود	۰/۳۹۷	۰/۱۵۸	۰/۱۵۶	۱/۴۲۷	۰/۳۹۷	۷۴/۶۷۶	۰/۰۰۰

جدول شماره (۳) به بررسی رابطه برخی متغیرهای اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی و چگونگی توزیع قدرت در خانواده می‌پردازد. همچنان که یافته‌های جدول نشان می‌دهند، هرچه سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان

بررسی عوامل مؤثر بر توزیع قدرت در خانواده ۳۳

بیشتر باشد، سهم بیشتری از توزیع قدرت در خانواده دارند. این رابطه در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ درصد تأیید می‌شود.

متغیرهای، تحصیلات و تحصیلات همسر پاسخ‌گو در سطح معناداری ۰/۹۹ درصد اطمینان با توزیع قدرت در خانواده، رابطه معنادار نشان داده‌اند. به این معنا که هر چه تحصیلات پاسخ‌گو و تحصیلات همسر وی بیشتر می‌شود، سهم بیشتری از توزیع قدرت در خانواده به دست می‌آورد. میزان درآمد پاسخ‌گو نیز با توزیع قدرت در خانواده در سطح معناداری ۰/۹۵ درصد اطمینان معنادار شده است. طبق چارچوب نظری تحقیق، درآمد بالا در حکم منبعی از قدرت برای پاسخ‌گو است که می‌تواند سهم او را از توزیع قدرت در خانواده بیشتر کند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چه آگاهی زنان از حقوق خودشان بیشتر باشد، قدرت بیشتری در خانواده خواهند داشت.

جدول شماره (۴): رابطه بین متغیرهای جمعیتی و توزیع قدرت در خانواده

متغیر	R	R ²	R ² تنظیم شده	ضریب b	ضریب بتا	مقدار F	سطح معنی داری
سن	/۰۲۵	/۰۰۰۱	/۰۰۰۲	-۰/۰۴۵	-۰/۰۲۵	۰/۲۴۹	۰/۶۱۸
سن ازدواج	/۱۳۰	/۰۰۱۷	/۰۰۱۴	-۰/۵۳۷	-۰/۱۳۰	۶/۸۲۲	۰/۰۰۹
تعداد فرزند	/۱۴۶	/۰۰۲۱	/۰۰۱۹	-۱/۱۵۵	-۰/۱۴۶	۸/۶۳۷	۰/۰۰۳

با توجه به اطلاعات جدول شماره (۴)، تنها متغیرهای، سن ازدواج پاسخ‌گو و تعداد فرزندان با نحوه‌ی توزیع قدرت در خانواده، رابطه معنی‌دار داشته‌اند. به بیان دیگر هر چه زنان در سنین بالاتری ازدواج کنند، سهم بیشتری از توزیع قدرت در خانواده دارند. (Sig=۰۰۹). متغیر تعداد فرزندان با توزیع قدرت در خانواده جهت عکس دارد، به این معنا که هر چه تعداد فرزندان بیشتر می‌شود، سهم زنان از قدرت در خانواده کمتر می‌شود. این رابطه در سطح معنی‌داری ۰/۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود. در توجیه این مطلب می‌توان گفت که به نظر می‌رسد زنانی که فرزندان زیادتری دارند، در واقع آن دسته از زنانی هستند که سرمایه اجتماعی، تحصیلات و آگاهی کمتری دارند و بنابراین همان طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سهم کمی از قدرت در خانواده را به دست می‌آورند. همچنین اطلاعات این جدول نشان می‌دهد که متغیر سن با متغیر وابسته رابطه معناداری نداشته است.

جدول شماره (۵): آزمون رابطه بین وضعیت اشتغال و توزیع قدرت در خانواده

سطح معنی‌داری	مقدار T	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	وضعیت اشتغال
۰/۰۰۰	۴/۰۱۵	۱۵/۲۰	۵۰/۹۵	۸۷	شاغل
		۱۴/۳۷	۴۳/۶۴	۳۱۳	خانه دار

جدول شماره ۵ نشان دهنده تفاوت میانگین نحوه‌ی توزیع قدرت بر حسب وضعیت اشتغال زنان است. مقایسه این میانگین‌ها نشان دهنده تفاوت بین زنان شاغل و خانه‌دار در چگونگی ساخت قدرت در خانواده‌هایشان است. مقدار T این جدول (۴/۰۱۵) در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ تأیید می‌شود.

جدول شماره (۶): آزمون رابطه شغل همسر پاسخ‌گو و توزیع قدرت در خانواده

سطح معنی‌داری	مقدار F	جمع مجذورات	اشتباه استاندارد	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	شغل همسر
۰/۰۰۰	۱۴/۶۱۴	۱۱۳۴۱/۳۷	۲/۳۴	۱۱/۰۱	۳۷/۸۱	۲۲	کارگر
			۰/۹۶۰۰۸	۱۳/۴۴	۴۰/۹۰	۱۹۶	شغل آزاد
			۴/۵۹	۲۰/۰۲	۴۸/۵۲	۱۹	کارمند
			۱/۱۰	۱۴/۱۳	۵۱/۰۵	۱۶۳	شغل مدیریتی

جدول شماره ۶ نشان دهنده تفاوت میانگین نحوه‌ی توزیع قدرت در خانواده‌هایشان بر حسب نوع شغل همسران آنها است. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که کمترین میانگین مربوط به زنانی است که شوهران کارگر و بالاترین میانگین مربوط به زنانی است که شوهران مدیر دارند. به این معنا که زنانی که همسران کارگر دارند، سهم کمتری از قدرت در خانواده، نسبت به دیگر گروه‌ها دارند. این در حالی است که زنانی که شوهران شان دارای مشاغل مدیریتی هستند، سهم بیشتری از قدرت در خانواده‌هایشان دارند. مقدار F به دست آمده از تحلیل واریانس نمرات پاسخ‌گویان ۴/۱۱۰ است که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۷ نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری میان شغل همسران پاسخ‌گویان و نحوه‌ی توزیع قدرت در خانواده‌های آنها وجود دارد.

بررسی عوامل مؤثر بر توزیع قدرت در خانواده ۳۵

جدول شماره (۷): آزمون رابطه نوع روابط جنسی و توزیع قدرت در خانواده

نوع رابطه جنسی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
منفعلانه	۲۱۷	۳۷/۹۶	۱۲/۲۴	-۱۲/۵۲۱	۰/۰۰۰
فعالانه	۱۸۳	۵۳/۸۴	۱۲/۹۵		

جدول شماره ۷ نشان دهنده تفاوت میانگین توزیع قدرت در خانواده بر حسب نوع رابطه جنسی آنها است. میانگین پاسخ‌گویی که روابط جنسیشان منفعلانه است، ۳۷/۹۶ است، و میانگین پاسخ‌گویی که روابط جنسی، فعالانه دارند ۵۳/۸۴ است که مقایسه میانگین این دو گروه، تفاوت معناداری را بین آنها از لحاظ چگونگی توزیع قدرت در خانواده را نشان می‌دهد. مقدار T (-۱۲/۵۲۱) در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ نشان دهنده تأیید این رابطه است.

جدول شماره (۸): آزمون رابطه میزان وابستگی عاطفی و چگونگی توزیع قدرت در خانواده

وابستگی عاطفی به همسر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	معنی داری
وابستگی عاطفی زن به مرد	۰/۳۱۸	۴۲/۲۲	۱۳/۹۶	-۹/۳۷۹	۰/۰۰۰
وابستگی عاطفی مرد به زن	۰/۱۸۲	۵۶/۸۷	۱۲/۲۳		

جدول شماره ۸ نیز نشان دهنده تفاوت میانگین نحوه‌ی توزیع قدرت در خانواده بر حسب میزان وابستگی عاطفی پاسخ‌گو و همسرش به یکدیگر است. بیشترین میانگین مربوط به مردان و کمترین میانگین مربوط به زنان است. مقدار T برابر با ۹/۳۷۹ است که در سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان دهنده تأیید این فرضیه است.

جدول شماره (۹): رابطه‌ی ادراک پاسخ‌گویان از میزان جذابیت و زیبایی شان برای همسر و نحوه‌ی توزیع قدرت در خانواده

ادراک پاسخ‌گویان از میزان زیبایی شان برای همسر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	جمع مجزورات	F مقدار	سطح معنی داری
کم	۷۶	۳۸/۳۶	۱۲/۲۲	۱/۴۰	۱۲۸۸۱/۰۹	۱۶/۹۳	۰/۰۰۰
نسبتاً کم	۱۴۷	۴۱/۳۴	۱۴/۴۳	۱/۱۹			
متوسط	۶	۴۴/۱۶	۱۷/۴۴	۷/۱۲			
نسبتاً زیاد	۹۵	۵۱/۸	۱۳/۶۸	۱/۴۰			
زیاد	۷۶	۵۱/۴۲	۱۳/۸۴	۱/۵۸			

جدول شماره ۹ نیز نشان دهنده تفاوت میانگین نحوه‌ی توزیع قدرت بر حسب ادراک پاسخ‌گویان از میزان زیبایی و جذابیتشان برای همسرانشان است. بیشترین میانگین مربوط به گروهی بوده است که (بر اساس ادراک خودشان) جذابیت زیادی برای همسرشان داشته‌اند و کمترین میانگین مربوط به گروهی بوده است که برای همسرشان چندان جذاب و زیبا نبوده‌اند. مقدار F برابر با $۱۶/۹۳$ است که در سطح معناداری $۰/۰۰۰$ گویای تأیید این فرضیه است. جهت مثبت این رابطه به این معنا است که هر چه پاسخ‌گو برای همسرش زیباتر و جذاب‌تر باشد، سهم بیشتری از توزیع قدرت در خانواده را به دست می‌آورند.

جدول شماره (۱۰): متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون چند متغیره به روش مرحله به مرحله

مرحل ورود متغیرها	متغیر	R	R ²	R ² تنظیم شده	مقدار F	Sig F	ضریب بتا	T	SigT
۱	سرمایه اجتماعی	۰/۴۴۹	۰/۲۰۲	۰/۱۹۲	۲۰/۲۰۱	۰/۰۰۰	۰/۴۳۳	۳/۹۷۷	۰/۰۰۰
۲	درآمد	۰/۵۱۳	۰/۲۶۳	۰/۲۴۴	۱۴/۰۷۷	۰/۰۰۰	۰/۵۶۰	۴/۸۰۳	۰/۰۰۰
۳	آگاهی از حقوق زن	۰/۶۱۸	۰/۳۸۱	۰/۳۵۸	۱۶/۰۳۴	۰/۰۰۰	۰/۴۳۹	۳/۸۱۶	۰/۰۰۰
۴	وابستگی عاطفی به شوهر	۰/۶۵۷	۰/۴۳۱	۰/۴۰۲	۱۴/۶۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۴۵	-۲/۵۹۹	۰/۰۱۱

جدول شماره ۱۰ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره را به شیوه مرحله به مرحله برای متغیر وابسته (توزیع قدرت در خانواده) نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان دهنده آن هستند متغیرهای سرمایه اجتماعی، درآمد پاسخ‌گو، میزان آگاهی پاسخ‌گو از حقوق خود و وابستگی عاطفی زن به شوهرش نسبت به متغیرهای دیگر قدرت بیشتری برای پیش‌بینی واریانس متغیر وابسته داشته‌اند. اولین متغیر وارد شده به معادله، سرمایه اجتماعی است که $۲۰/۲$ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. با وارد شدن متغیر درآمد پاسخ‌گو، توان پیش‌بینی مدل به $۲۶/۳$ درصد می‌رسد. در مرحله سوم آگاهی پاسخ‌گو از حقوق خود وارد معادله شده است. این متغیر به همراه متغیرهای پیشین $۳۸/۱$ درصد توان پیش‌بینی متغیر وابسته را دارد. آخرین مرحله نیز، میزان وابستگی عاطفی زن به شوهرش وارد معادله شده است. در این مرحله توان تبیین مدل به $۴۳/۱$ درصد رسیده است. در مجموع این مدل توانسته است با پنج متغیر $۴۳/۱$ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر چگونگی توزیع قدرت در خانواده(با تاکید بر سرمایه اجتماعی زنان) و بر اساس ترکیبی از نظریه منابع ارزشمند، جامعه‌پذیری جنسیت و سرمایه اجتماعی انجام شده است. اطلاعات این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. تصمیم‌گیری بر پایه مشارکت و متقاعد سازی، می‌تواند عاملی مهم در شکل‌گیری شخصیت فرزندان و رشد پایه‌های دموکراسی در خانواده باشد، خانواد می‌تواند بستری مناسب در شکل‌گیری رشد عاطفی و عقلی اعضای خانواده مهیا کند، در واقع اگر محور تصمیم‌گیری‌ها در خانواده فقط یک نفر باشد و دیگر اعضای خانواده حق مشارکت و انتخاب نداشته باشند و اساس تصمیم‌گیری‌ها یک‌جانبه و بر پایه اجبار باشد، خانواده را دچار آسیب‌های اجتماعی و روانی جدی می‌کند. در پژوهش حاضر در ۲۰٪ درصد خانواده‌ها، قدرت به طور یک‌جانبه و نفع مرد، در ۱۸٪ درصد از خانواده‌ها قدرت به طور اشتراکی بین زن و مرد تقسیم شده است و تنها در ۲٪ درصد از خانواده‌ها قدرت به نفع زن بوده است. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل دو متغیره نشان می‌دهد که متغیرهای سرمایه اجتماعی، وضعیت اشتغال، شغل همسر پاسخ‌گو، نوع رابطه جنسی پاسخ‌گو، میزان وابستگی عاطفی پاسخ‌گو و همسرش به یکدیگر، آگاهی زن از حقوق خودش، تحصیلات پاسخ‌گو، تحصیلات همسر پاسخ‌گو، درآمد، و زیبایی و جذابیت پاسخ‌گو برای همسر، با نحوه توزیع قدرت در خانواده، در سطح ۰/۹۹ درصد اطمینان رابطه معنادار و مثبت داشته‌اند. اما از بین متغیرهای جمعیتی تنها متغیر سن ازدواج در سطح ۰/۰۰۹ و متغیر تعداد فرزندان در سطح ۰/۰۰۳ درصد با چگونگی توزیع قدرت در خانواده رابطه معنادار نشان داده‌اند. نهایتاً اینکه در تحلیل چند متغیره رگرسیونی، به روش گام به گام از میان همه متغیرهای مستقل، چهار متغیر وارد این معادله شده‌اند. که به ترتیب عبارتند از: سرمایه اجتماعی، درآمد، آگاهی از حقوق زن، وابستگی عاطفی پاسخ‌گو به همسرش، که نسبت به متغیرهای دیگر قدرت بیشتری برای پیش‌بینی متغیر وابسته داشته‌اند. از بین این متغیرها سرمایه اجتماعی، توان بیشتری برای پیش‌بینی متغیر وابسته داشته است. طبق چارچوب نظری تحقیق باید گفت که سرمایه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و جایگاه‌هایی که افراد دارند، در واقع در حکم منابعی برای رسیدن به اهداف‌شان هستند که می‌توانند از آنها در روابط خانوادگی نیز استفاده کنند. در پژوهش حاضر زنانی که سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به دیگر زنان دارند، سهم بیشتری از قدرت در خانواده را دارا هستند.

دومین متغیر وارد شده به معادله، درآمد پاسخگو است. طبق چارچوب نظری تحقیق، درآمد بالا برای زنان در حکم منبعی از قدرت برای آنها به حساب می‌آید. در این تحقیق نیز زنانی که درآمد بالا دارند، در خانواده از قدرت بیشتری برخوردار هستند، این یافته‌ها با نتایج تحقیق منصوریان و قادری (۱۳۷۴) و مهدوی و خسرو شاهی (۱۳۸۲)، گروسی (۱۳۸۴) همخوانی دارد.

آگاهی پاسخگو از حقوق خود نیز به مثابه‌ی منبعی از قدرت و سرمایه‌ای فرهنگی می‌تواند، جایگاه زنان را در ساختار قدرت خانواده پررنگ‌تر کند. چرا که منجر به افزایش مهارت‌ها و تجربیات خاصی می‌گردد که توانایی آنان را برای محدود نمودن قدرت مطلق شوهران افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که ساخت قدرت در خانواده، انعکاس باورهای فرهنگی زن و شوهرها، یا میزان آگاهی آنان است. به این معنا که زنانی که آگاهی بیشتری از حقوق خود دارند، در مقایسه با زنان دیگر، سهم بیشتری از قدرت در خانواده دارند. همچنان که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر چه زن محبت و عشق بیشتری از همسر خود طلب می‌کند و به او وابسته‌تر باشد، منابع قدرت خود را در این خصوص به نفع همسرش از دست می‌دهد و فضا را برای اعمال، راحت‌تر قدرت از سوی وی فراهم می‌کند. در این پژوهش نیز زنانی که از نظر عاطفی به شوهرانشان وابسته‌ترند (تا شوهرانشان به آنها) سهم ناچیزی از قدرت در خانواده را به دست آورده‌اند. در توضیح بیشتر این مطلب طبق نظریه جامعه‌پذیری نقش جنسی می‌توان گفت که در جامعه‌ی آماری که جامعه‌ای کوچک و محدود می‌باشد، شیوه جامعه‌پذیر کردن زنان به گونه‌ای است که هویت جنسی آنها را هر چه بیشتر به سوی انفعال و وابستگی بیشتر پیش می‌برد. این انفعال و وابستگی در روابط جنسی و وابستگی عاطفی زنان به همسرانشان کاملاً مشهود است. طبق یافته‌ها از مجموع ۴۰۰ نفر ۲۱۷ نفر از آنها در روابط جنسی‌شان منفعل عمل می‌کنند و همین‌طور ۳۱۸ نفر از آنها از نظر عاطفی به شوهرانشان وابسته هستند. با توجه به نتایج به دست آمده و رابطه مثبت بین کسب منابع ارزشمند توسط زنان و نحوه‌ی توزیع قدرت در خانواده اگر بخواهیم از استعداد و قابلیت‌های بالقوه‌ی بخش قابل توجهی از جمعیت کشور یعنی زنان استفاده شود، در درجه اول باید بستر مناسب برای توان‌مندسازی آنان جهت کسب منابع ارزشمند و سرمایه‌های اجتماعی بیشتر فراهم شود. چرا که توسعه همه جانبه هر کشوری در گرو توان‌مندسازی و مشارکت دادن زنان به عنوان بخش قابل توجهی از جمعیت کشورها، در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی است. بنابراین کسب منابع ارزشمند و سرمایه‌های اجتماعی توسط زنان از طرفی باعث کاهش نابرابری‌های درون خانواده و

بررسی عوامل مؤثر بر توزیع قدرت در خانواده ۳۹

توزیع عادلانه‌تر قدرت بین زن و شوهرها می‌شود و از طرف دیگر نیز بر تغییرات کلی اجتماعی نیز تأثیری عمده می‌گذارد.

منابع

- بورديو، پیر (۱۳۸۳) نظریه کنش، دلایل عمل و انتخاب عقلانی، ترجمه: مرتضی مردیپا، چ دوم، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- ریتر، جورج (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۵) زن، تهران: اطلاعات.
- کلن، جمیز (۱۳۷۲) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- میشل، آندره (۱۳۵۴) جامعه‌شناسی خانواده، ترجمه: فرنگیس اردلان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- غفاری، غلامرضا و نازمحمد انق (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ویژه نامه تغییرات و توسعه اجتماعی در جنوب ایران، دوره اول، ش ۱، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۹۹-۱۵۹.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: جهان امروز.
- گرینت، کیت (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی کار، ترجمه: پرویز صالحی، تهران: انتشارات مازیار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- Barnett, Ola W; Cindy L. Miller-perrin, and Robin D. Perrin** (2005) Family Violence across the Life Span. Thousand Oaks: Sage Publication
- Bourdieu, p.** (2001) Masculine Domination. Stanford: Stanford University press.
- Coltane, S.** (2000) "Research on Household labor: Modling and Measuring the social Embeddedness of Routine Family Work. " Journal of Marrage and the family, Vol.62, pp.1208-1233.
- Jaggar, A. M.** (2001) "Is globalization good for women?" Comparartive literature, Vol. 53, No. 4, pp.298-332.
- Karen Healy & Liz Ayres & Anne Hampshire** (2003) Social Capital and Quality of Life in Geographically Diverse Communiies, Melborn.
- Kulik, Liat.** (2002) "The Impact of Social Background on Gender-Role Ideology: parents, Versus Childrens Attiudes." Journal of Family Issues 23(1): 53-73.
- Lavee, Yoav, and Ruth Katz,** (2002) "Division of Labor, Perceived Fairness, and Marital Quality: The Effect of Gender Ideology." Journal of Marriage and the Family 64(1): 27-39.
- Lin, N.** (2001) Social Capital: Theory of Social Capital and Action. Cambridge: Cambridge University press.

- Mason, K. O. & Herbert L. Smith**, (2003) Womens Empowerment and Social Context: Results From Five Asian Countries. [Online]. <<http://www.13323-womens-Empowerment-1.pdf>>. [16 Oct 2004].
- Quek k. M. and Knudson-Martin** (2008) "Reshaping Marital Power: How dual-career Newlywed Couples Create Equality in Singapore", Journal of Social and Personal Relationships, Vol. 25, No.3, P: 511.
- Royanian, S.** (2003) "Women and Globalization, Iran as a Case Study", <http://women4peace.org/women-globalization.htm1>.
- Sabin, John**, (1995) Social Psychology. Norton, New Work.
- Stone & Huges, J** (2001) "Sustaining Communities: An Empirical Investigation of Social Capital in Regional Australia" Paper Presented to SEGRA 2001 fifth national Conference. 10-12 Septsmbler 2001 Townsville.
- Webster C** (2002) "IS Spousal Decision Making Culturally Sitaated Phenomenon?" Psychology 8 Marketing, Vol. 17. No, 12, P: 10-35.
- Woolcock, Michael and Deepa Narayan** (1999) "Social capital: Implications for Development Theory, Research and Policy". The World Bank Observer. Vol,15,NO.2pp.225-49.
- Xu X. and Lai Shu-chuah** (2002) " Resources, Gender Ideologies and Marital Power: The Case of Taiwan", Journal of Family Sues, Vol. 23, No. 2, P: 209-246.
- Zipp, John F. Prohaska, Ariane and Bemill, Michell** (2004) "Wives, husband, and hidden power in marriag", Journal of Family Issues, Beverly Hills, Vol. 25, N. 7, Pg. 933.
- Zuo, Jiping, and Yanjie Bian.** (2005) "Beyond Resources and Patriarchy: Marital Construction of Family Decision Making P awer in Post-Mao Urban China." Journal of Comparative Family Studies 36(4):601-622.